

خود را موعین کنند که اسباب اشکال پستخانه وغیره که باید جواب برسانند نشده و نیز موجب تعطیل کار نکرد دیگر راینگه هر کسی مریضه میبوسد يك (تبر) مریضه که قیمت آن يك قران باشد گرفته بر مریضه خود بچسباند که مایه اعتبار آن مریضه شده و این تبرها را هم در پستخانه بفرشند. دیگر اینكه در ساعات معین هر کدام از اعضا انجمن حاضر نشدند دو هزار بدهند. در صندوق جمع شده بستمعین داده شود مسئله اولی را که اعلان شونده تصدیق کردند و مسئله تبر را جمعی قبول نکردند گفتند حالا زود است و بعضی گفتند ضرر ندارد و موجب اعتبار مریضه است و همچنین مسئله سیم را بعضی تصدیق نموده و بعضی ایراد کردند قرار شد مذاکره در این خصوصها بشود و پس از این یکی از وکلای چنین اظهار داشت ما که در این مجلس نشستیم این برای حفظ حقوق ملت و ملت شامل افراد ملت است پس حفظ حقوق افراد لازم است و امروز در این مجلس بیکنفر از افراد ملت که سید و محترم و مطوم نیست مقرر باشد توضیح حق شد جواب داده شد که ما وکلای اینجانب نیستیم این برای حفظ حقوق دولت و ملت این اشخاص که هتکام ورود حجاج بهر العلوم باشند رفتند خیانت او نزد ایشان شاید ثابت شد و تکلیف و سکاات خود ندانستند که یا حضور او باشند همین طور که عقاید آزاد است این طور افسال هم آزاد است باز همین وکیل اظهار کرد کدام لایحه از طرف مجلس نوشته شده که او مقرر است جواب داده شد با وجود آن تلگراف که بر پرروز در مجلس خوانده شد و صراحتاً تلگراف نه بوده گوش باین تلگراف ندهید و آن تلگراف از طرف مجلس بود آیا باز نیشود گفت که او مقرر است و خیانت کرده یکی دیگر از وکلا و کلاه بیان کرد در يك مورد حق باشاهزاده است و آن اینست که قرار شد بر پرروز از طرف مجلس بجای بهر العلوم اخطار شود که باین مجلس ورود ننمایند اعم تعقیب در کار ایشان رسیدگی شود حال اگر از طرف مجلس اخطار شده و ایشان آمده اند که هیچ والا کسی حق اعتراض نداشته جواب دادند که توسط وکلا و حجاج اسلام اخطار شده و آقای وثوق البوله نایب رئیس چنین تقریر کردند این مسئله صحیح است ولی چون در نزد بعضی تصدیر و خیانت ایشان ثابت شده بر حسب تکلیف و کالت خودشان باشند بروند. لهذا من از حجاج بهر العلوم خواهش کردم بروند اطاق دیگر و کلاه برگردند که بمدرسه رسیدگی در اینوقت مجلس ختم شده عموم و کلا بر خاستند که جناب آقای زو سید محمد مجتهد از اطاق انتظار که بجهت رفع سکاات رفته بودند مراجعت کرده فرمودند و کلا نروند دوباره مجلس منتقد و بار از تفصیل حجاج بهر العلوم صحبت شد و آقای سید محمد سؤال نمودند این وضع که حاج بهر العلوم رفتار شد با کثرت آراء بود جواب دادند خیر با کثرت نبود ولی هر کس در وکالت يك تکلیفی بر سرای خود میداند این اشخاص تکلیف خود را بواسطه آن تلگرافی که حاج بهر العلوم برشت مغایره نموده و نزد خود جناب آقا اقرار کرده چنین دانستند که همچو شخص در مجلس مقدسی که رای گرفته میشود نباید باشد آقا سید محمد فرمودند صحیح است نزد من اقرار کرده حال شاید جوابی در مقابل داشته باشد و گذشته از این خوب بود قبل از وقت باو اخطار میکردند که باین مجلس نباید جواب دادند بعضی احترام بتوسط حجاج اسلام اخطار شد بعضی جواب

دادند که لازم بود که از طرف مجلس رسماً اعلام شده باشد بجهت این از مذاکرات با جمی گفته خیانت او ثابت و معلوم است و بعضی گفتند رسماً باید تعقیب و رسیدگی شود در مجلس خیانت حاج بهر العلوم ثابت شود فرار شد مجدداً آن تلگرافیکه برشت مغایره نموده با حضور خودش قرائت شود چون بهر العلوم رفته بود گفتند باشد در مجلس دیگر پس از این یکی از وکلا و کلاه چنین عنوان کرد مطلبی است که خیلی اهمیت دارد و آن اینست از فراریکه شنیده ام در انجمن برادران نظامیکه هر روز در خانه یکی از سردارها انجمن دارند نطقها شده و گویا تعقیب هم کرده اند صحت داشته که باهت پول ندان دولت بشامل نظام مجلس و روسای بانک ملی است و حال آنکه چندی قبل که وزارت مالیه وجهیکه دولت لازم داشت لایحه نوشته بمجلس مقدس فرستاده بودند در آن لایحه بجهت گویا دوست و سی و پنج هزار تومان برای حقوق قشون معین کرده بودند مجلس سپس از همه او را تصدیق و تصویب نموده و قبل از اینکه قرار داد نامه بانک تمام شود رؤسای بانک از این باب شصت و پنج هزار تومان دادند و صد هزار تومان هم از بابت پیش قسط خراسان و فارس که دولت گرفته بود و باید باینک ملی بدهند ندادند و از بابت حقوق قشون حساب کرد و همچنین صد هزار تومان از تلگرافخانه گرفته از این بابت برداشتند این میشود دوست و شصت و پنج هزار تومان چیزی هم علاوه از آن مقدار که خودشان خواسته بودند داده شده در اینصورت جهت چیست که این طوط سر باز راهیج میشود که مجلس مانع است پول بشما داده شود جمعی گفتند جهت این تهییج معلوم است چیست مقصود این است سر باز ما از مجلس مقدس منصرف شوند و یکی از وکلا اظهار کرد که باید در این خصوص وزارت جنگ اخطار شود در مجلس حاضر شوند و در این باب توضیحات خواسته شود گفتند این پول محققاً بوزارت جنگ رسیده حال چرا با افراد قشون داده نشده باید معلوم شود باز همان وکیل اظهار کرد در اینخصوص هم باید از وزارت جنگ توضیح خواست که این پول رسیده یا رسیده و نیز در روزنامه مجلس خوب است این مسئله که مجلس مانع است از پول دادن بقشون تکذیب شود و یکی دیگر از وکلا چنین بیان نمود که کلیه باید معلوم شود که چرا دولت از بانک ملی پول نمیکرد جواب داده شد فعلاً این مسئله که راجع بقشون است تعقیب شود و در این وقت مجلس ختم گردید.

مذاکرات روز شنبه ششم

شهر ربیع الاول ۱۳۲۵ دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز پنجشنبه چهارم از آقای سید محمد تقی قرائت کردند و قبل از شروع به مذاکره تلگرافی از طرف تجار رشت بمجلس مغایره شده بود قرائت شد اشعار داشت باینکه حاجی داود از طرف تجار و بارو کالت حاضر و برای آمدن مشارالیه بمجلس معترم هیچ مانعی نیست جز این که بعضی بیگانها باهت فساد شده و نسبت به علمای شرع مقدس توهین شده اولاً آنچه لازمه توفیر و احترام است دوباره علمای معترم رشت رعایت شده روانه دارند و ثانیاً جزای مقصدین داده شود که مایه امیدواری ما گشته حاجی داود را روانه نمایم هر گاه حقوق تجار در مجلس مقدس معترم محفوظ است اجرای این دهرها استدعا داریم در این وقت رئیس چنین اظهار کردند این جناب حاجی داود

موتی است میگویند وکیل تجار است باید بیاید و
مکرر خواهی کردند که اگر ایضا میوه و ماه خوابیم
پوش اینک از او روانه نمایند اصلا مکتوب نوشته
و تلگراف می نمایند جهت مسامحه و این رفتار آنها
هیچ معلوم نیست البته آقایان و کلای رشت در این
خصوص اطلاع دارند یکی از کلای آذربایجان
اظهار کردند که این تلگراف چه اهمیتی داشت که
قرائن شده رئیس جواب دادند اهمیتی باین تلگراف
نداده نشده مقصود خواستیم معلوم شود غرض
آنها چه چیز است گفته حاجی داود وکیل باشد
از طرف تجار من باب رفع نقار گفتیم خیلی خوب
ولی کمال تجار را هم گفتند از طرف طبق اصیان و
فهر وکیل باشد معهود آنها معلوم نیست که
چیت .

وکیل تجار - اولاً میخواهم بدانم
منتخب شدن از طرف اصیان دل بخواهی است
یا از روی نظامنامه بنده از روی نظامنامه با کثرت
آراء از طرف تجار منتخب شده ام حال دو بار اصیان
بن میل دارند نیدانم از روی چه فاعله است ثانیاً
در خصوص وکالت حاج داود نمیتوانم جرات نمایم
که بچه ترتیب است ولی مسئله وکالت او در مجلس
کی عنوان شد که او را قبول بدارند و اعتبارنامه اش
کی ملاحظه شد حال که میگویند این شخص از طرف
تجار وکیل است یا باید مرا رد نموده اگر قبول نمایند
یا او را رد کرده مرا قبول کنند و نفر وکیل از طرف
یک طبقه که میشود .

اکثر قول وکیل تجار را تصدیق نموده و
گفتند در انتخاب او ابداع حرف و ایرادی نیست و
یکی از کلای قزوین بیان نمود که من خودم
در انتخاب وکیل تجار در رشت بودم دو دفعه
با کمال دقت و از روی نظامنامه با اتفاق آراء منتخب
شده و تمام امضاء کردند و پس از امضاء قریب
ده بیست نفری مخالفت کردند و ابداع میشود در
انتخاب وکیل تجار حرف زد بالجمله پس از
فی الجمله مذاکره گفتند گفتگوی این مسئله باشد
در اطلاق دیگر و اوقات مجلس ضایع نشده شروع
بمطلب شود لهذا لایحه که از طرف معتزله مجلس
آورده شده بود قرائت گردید مشر بود
باینکه حمد میکنم خدا را که چشم ماها را بافتتاح
مجلس مقدس شورای ملی و دائر شدن بانک ملی روشن
فرمود این کمیته از روی کمال اتقان اندوخته خود
را تقدیم نمود که از بانک ملی بلیط برای من
خریداری نمایند و استدعا دارم لایحه من در روز
نایم درج شود یکی از وکلا اظهار داشت چهار
ماهست که از این لایحه ها خوانده شده و ملت همه
قسم اظهار همراهی مینمایند اما معلوم نیست این
بانک در کجا است .

آقایان زایع الحسین خان - خیلی افسوس
میشودم در این دو سه روزه مرخص شدم و برای
استیلاج مزاج بفرنگستان میروم ولی کمال مسرت
و سرمندی را دارم که بحضور در این مجلس
و خدمت بوطن و ملت برامتی اقتضای خود را
در دنیا و آخرت کامل نمودم و بر تمام و کلا
است که این نعمت عظمی را از دست ندمند
اما یک عرضی دارم و آن این است که لایحه من

دو فرنگستان دولت و آتشخان زمانه ظهور از
من خواننده پرسیده که مسئله بانک ملی را چه
کردید و غدا که وکلای ملت بودید نظارتی که
روح مملکت و جان ملت بسته باین اسامی است
مقیمیم چه جواب بگویم حال یک جواب صریحی
بمن بگویند که منم در آنجا بگویم و یکی دیگر
اینکه در ششماه قبل یکی از افاضم و پزشکان
فرنگستان بمن نکته کلیدی است و تجال نیکه ام
ولی حالا چون معلوم میکنم و آنرا نیست که
بمن گفته اند مگر ملت ایران نتواند تشکیل بانک
ملی بدهد و نتواند پسرما به خودش حفظ حقوق
خود را نیاید حال این مملکت حالت مصر است
و حال سلطنت مثل حال خدیو مصر . یکی از
از رؤسای بانک و وکلا اظهار داشت امید واریم
این حالت قیود بیهوشی که دارند دست بر نیاورند
و گمان هم نمیکند که با وجود تهاجم از طرف
دولت از پیشرفت این اجاعی دست بردارند و تا
چون باینده ایستادگی خواهند نمود . چنانچه حسین
مثل این خوانسین که بچه پنج هزار تومان بسوای
سرمایه این لباس داده اند و گردن بند های خود
را که لباس و جواهرات است داده اند فروخته شده
در بانک گذاشته شده و البته مردما هم هست
که نموده اند بیش از پیش همت خواهند کرد و
یکی از کلای آذربایجان چنین اظهار کرد
با کمال افسوس مجلس معتزله یک مقصودی از امضای
خود را روانه مینماید که چشم و چراغ این مجلس
بود و البته در فرنگستان از بابت بانک وقیره از
ایشان شوال خواهند نمود و من تکلیف میکنم
که امروز همین صحبت را بکنید و ما چهارمست
که در همه جا حملات سخت بر رؤسای بانک ملی
کردیم حتی در قبولی نوشتن حوالجات دولتی و
ملت هم نهایت همراهی را کردند معهود دولت
آخر مرحله سلطه نموده و نمیخواهند پول از بانک
ملی بگیرند حالا مجلسی باید بماند که آخر اینکار
چه خواهد شد و این مطلب نیاید در اطلاق
خصوصی مذاکره شود باید در همین مجلسی علمی
گفتگو شود ما با آذربایجان در این چند روز در
خصوص بانک گفتگو کردیم آنطور که دیدید
همراهی نمودند سایر ولایات هم البته همراهی خواهند
نمود در اینصورت ملاحظه کاری نداریم تا به بنییم
دو لیتان چه جواب خواهند داد و یکی دیگر
از وکلا چنین اظهار کرد از طرف ملت به
بینید بچه اندازه اقدام شده حتی زهرا هم بدو اقدام
نموده اند و امروز چیزی دیدم که خیلی متأثر
شدم یک بنیانی ده تومان آورده بود از رؤسای
بانک بلیط میخواست یکی باسم خود و یکی باسم
پسرش ملاحظه نمایند بچه اندازه ملت همراهی
و یکی از کلای خراسان بیان نمود البته باید ملت
همراهی در مسئله بانک بکنند چنانچه کرده است
و گفته شد کلمه (ولیکن) در اینخصوص گفته نشود
منهم نمیگویم اما میگویم یک اتحادی مابین دولت
و ملت لازم است تا این اتحاد قیامی واقع نشود
بر فرض همراهی نمایند اسباب خرابی خواهد بود
پس این اتحاد را در صورت باید برقرار کرد اگر
اختلاف حضرات نبود تجالاً بانک ملی تأسیس میشود
از تیره آن بمرتب شده بود بمرتب این اسم اتحاد

و بعد از آن هم معلوم است این مسئله بانک که بیش
آنها همه مردم حاضرند در همراهی تا جان بدهند
پرسیده آن کله اتحاد بدست بیاید . یکی از رؤسای
بانک و وکلا اظهار کرد مکرر در مجلسی قمره بانک
گفتگو شده دولت یک امتیازی نداده و یک شروطی
قرارداده و یکی از آن شروط قرض دادن خمس سرمایه
است بملت و فی الواقع این چهار کرور که بانک
میدهده مسامحت است جزو شروط نیست در این
صورت وقت مسامحه نیست بر فرض دولت پول نگیرد
آبان بلیط ها که چاپ شده بهم خواهد خورد کدام
این است بهم نخواهد خورد پس مات در هر صورت
بانک را دایر خواهند کرد و دران امتیازنامه هیچ
استثنای روی نخواهد داد . گفته شد تا مردم اصیان
حاصل ننگند این مجلس نمیتواند بعضی اقدامات نماید
جواب داده شد که کمال اتحاد است قیامی دولت و ملت
گفتند با وجود همراهی دولت پس چرا باینک حواله
نیدمده جسمی جواب دادند شاید میخواستند مذاکره
دوباره نمایند و اشتباهی شده و این باعث مخالفت
نخواهد شد چنانچه در مجلس پرپر زد هم که کوزر بودند
قرار گذاشتند یک دفعه دیگر مذاکره شود باز یکی
از رؤسای بانک چنین عنوان نمود که این سؤال را
دائم بر فرض دولت پول نخواست واجب است تأسیس
این بانک برای ملت یا نه در صورت لزوم پس باید
سامی بود و آنوقت رجوع میکنیم بامتیازنامه در
شروط اگر از طرف ما یک صورتی شده البته
بهم میفرود و اگر از طرف دولت مسامحه شود چه طور
یکی از وکلا جواب اظهار کرد که یکدفعه ما تصویب
نمیشدیم بجهت بواسطه قرض دادن بدولت و یکدفعه
بواسطه قرض نگرستن دولت باید تصدیق نظری
شود و یکی از رؤسای بانک جواب داد البته در آن
صورت بجهت لازم نیست و حتی الامکان باید همراهی
شده این بانک تأسیس شود شاید دولتها ملاحظه نما
دارند نیون خواهند گرفت و یکی از کلای رشت بیان
نمود بنده عرض میکنم رعیت هر ملک حق تنخواه
استدعائی از شخص اعلیحضرت شاهنشاه خود دارد و امروز
برشما لازم است که با کمال همت و عجله بانک را
دائر نمایند و این وکلا از طرف ملت از اعلیحضرت
شاهنشاه تمنا میکنند که قبول فرموده پول را از بانک
گرفته و حواله بدهند و یکی دیگر از وکلای
آذربایجان چنین اظهار کرد در تأسیس بانک خیر
باید عجله کرد خواه دولت پول بگیرد یا نگیرد بار
یکی از کلای آذربایجان چنین بیان کرد .
که بنیانی ما بر اتحاد با دولت است و هیچ حرفی
که بوی اختلاف از آن بیاید نباید بگویم ولی
امتیازاتی که از این استیلاستوار کردید اعتراض هم سستی
میکردیم و میکنیم خیلی کار عقب میافتاد و ما بخیال
اینکه دولت استتکاف دارد از پول گرفتن از بانک
گفتیم مذاکره بانک در اطلاقهای خصوصی نشده در
این مجلس علمی شود ولی حالا رؤسای بانک میگویند
دعوت از پول گرفتن استتکاف ندارد پس حلال است
مذاکره نمودن در این خصوص فایده ندارد باشد
هر وقت رؤسای بانک شکایت کردند و احساس نمودند
که دولت پول نخواهد گرفت آنوقت این بنیانی شود اگر
در پیشرفت حرفی در میان است بگویم و الا حرف
زبان نمیگوید . است یکی از رؤسای بانک جواب داد
آنرا حق نیست که بگویند که و زور حضور بدهند ش

همه بپوشد. آنان مذاکرات نمی توان گفت دولت از بول گرفتن استکلاف دارد البته هر وقت احساس کردیم که استکلاف دارد خواهیم گفت.

معمداً مذاکرات زیاد در این خصوص بمیان آمد و یکی از وکلای رشت اظهار داشت یکی از مواد قانون اساسی تصفیه عمل مالیه است که مخصوص مجلس است در اینکه دولت با کمقاری از پیش قسط ولایات گرفته حرفی نیست اگر مسامحه نشود باید مجلس تحقیق نماید که این پول چه شد و از کجا پول خواهد گرفت دیگر اینکه مردم میگویند حقوق ما نرسیده و حقوق خودشان را می خواهند و همین نشئون حقوق می خواهد باید دانست تکلیف آنها چیست و این پولها اینکه از بابت پیش قسط گرفته شده چه شده و یکی از وکلاء اظهار کرد چون از عمل مالیه صحبت شد عرض می کنیم در یکماه قبل حکومت کلیایگان و خوانسار را دادند به جناب صاحب دیوان در صورتی که عارض داشت و جمعی طلب کارند پول میخوانند بدیوانخانه عدلیه حاضر نشده کار باهم ندارم ولی مخصوصاً از آنجا بن کافذ نوشته اند که صاحب دیوان بنایب السکومه خود نوشته دوزخ را تومان از بابت مالیات گرفته بفرستید ما میخوانیم بدانیم آیا بتصویب وزارت مالیه این پول گرفته میشود یا نه دور نیست تا یکماه دیگر خیلی از مالیات را بگیریید باید این مسئله معلوم شود در این بین دو طرفاً تلگراف از رشت و انزلی رسید گفتند مطلب این تلگراف خیلی مهم است باید مذاکره بشود این مطلب تلگرافی مطرح شود. لهذا هر دو تلگراف فرائت شد قریب باین

مضمون بود از رشت

حضور امنای مجلس مقدس شورای ملی از انجمن انزلی تلگرافی رسید که امین السلطان با کشتی آمده خواست وارد شود اهالی انزلی راه ندادند تکلیف معین نماند.

انزلی - خدمت آقایان ریاض المللی آقا آقای مستشار الدوله و آقای تقی زاده و آقای وکیل التجار امین السلطان وارد اهالی مانع و ملت اغتشاش کرده فوراً در تلگرافخانه حاضر شوید.

در این خصوص مذاکرات بمیان آمده فایده کلام مختلف بود یکی از وکلای آذربایجان اظهار کرد که اگر بنده را بتلگرافخانه نمیخوانند نمیگفتم حالا میگویم وکیل یک تکلیفی دارد ملت یک تکلیفی دولت یک تکلیفی وکیل قسم خورده آنچه که تکلیف خود میداند در اینجا میگوید و من آنچه که مضر بحال مملکت است باید بگویم و فقط اینجا باید عقیده خود را اظهار دارم نه در جای دیگر لهذا خواهش دارم مرا معاف بدانند از رفتن تلگرافخانه بجهت اینکه اگر بروم باید بگویم بیاید یا نیاید و من آمدن او را مضر میدانم و با صدای بلند میگویم آن روز هم گفتم و حالا هم میگویم و یکی از وکلای چنین تفریر کرد این آقا که اظهار عقیده خود را کرد ما او را حق پرست و حق دوست میدانیم و اظهار عقیده شخصی خود را نمود ولی عقیده من برخلاف عقیده اوست اگر ما بخواهیم تمام این اشخاص را نسبت ببیانات سابق از مملکت خارج نمایم ده نفر دیگر برای ما بسافی نخواهد ماند امروز اهل حضرت شاهنشاه امین السلطان را خواسته

و همچو گمان فرموده که این اغتشاش را اورقم خواهد کرد ملت از آمدن این یککنفر نخواهد رسید همینطور که چند روز قبل گفتم اگر قلب شاهنشاه تغییر کند حال مملکت هم تغییر میکند حالا دیدیم اگر مملکت اصلاح پیدا کرد می دانیم که او کرده و قلب شاهنشاه را بر گردانده و اگر اصلاحی پیدا نشد و فتنه ظاهر شد این ملت اول کار بیکه بایک مسبقه خواهد کرد با او خواهد بود و یکی دیگر از وکلای اظهار نمود من اظهار عقیده نمیکنم و نمیگویم آمدن او صحیح است بانه ولی اگر مرا دست کو میدانید گوش نمائید صحبتی دارم بگویم در هشت ماه قبل پیش از اینکه این مجلس مقدس تاسیس شود امین السلطان را در فرنگستان ملاقات نمودم و صحبت شد از زمان گذشته همچو گفتند که تاریخ بعد از این نشان خواهد داد که آیا من میتوانم فیر از رفتار بیکه کردم رفتار دیگری کرد بانه واز بابت فرضه اخیر خیلی اظهار پشیمانی و ندامت میکردند اما منی شاه پرستی و وطن دوستی را باین کلمه میگفتند که حالا بایست دولت ایران مشروطه و مقننه باشد و یکی دیگر چنین بیان نمود که تادو روز قبل من از آن اشخاص بودم که میگفتم نباید امین السلطان باین مملکت بیاید ولی دیشب فکر کردم دیدم اگر بنامش اینطور باشد باید همه از این مملکت بروند و این نمیشود باید عین الدوله را هم خواست و بعضا بش بر سنده اینک در سرخانه و زنگی خودش باشد و یکی دیگر اینطور تقریر نمودند که بوجوب این تلگرافات در انزلی اغتشاش است و این شخص هم نوکر دولت است و دولت او را خواسته ملت هم با دولت مخالف نیست حالا خوب است رای بدهند این آقایان و کلارا که خواسته اند بروند تلگرافخانه بگویند اهالی مانع از ورود نشوند قصاص قبل از جنایت که صحیح نیست در خصوص رای گرفتن ثقت آراء شد جمعی گفتند لازم بگرفتن رای نیست جمعی گفتند نباید رای گرفته شود که تکلیف اشخاص بیکه میروند بتلگرافخانه معلوم شود و یکی از وکلای آذربایجان چنین عنوان کرد در اینکه این شخص خیانت کرده حرفی نیست ولی منحصر بایشانم نیست اگر بخواهیم بگوئیم او نیاید باید تمام بروند و این عقیده که آقای تقی راد اظهار کردند بلا حمله چیز دیگری است فعلاً دوسه ملاحظه باید کرد اولاً این شخص تبعیدن نشده و بعین خود مرخصی حاصل کرده رفت و حالا آمده تا بنیاً اگر میخواستند که او نیاید همانوقتیکه احضار شد باید اظهار بداریه نه الا که آمده است بانزلی عقیده ام اینست که او را بپذیرند ولی بعد از ورود اگر دیدیم که اساس این مملکت تغییر نکرد همان کاریکه امروز میخوانید بکنید آرزوی بکنید.

بالاخره پس از مذاکرات و مباحثات زیاد غالباً ورود امین السلطان را تصویب نموده و قرار شد که تلگراف مخصوص از طرف مجلس بانجمن انزلی در این خصوص نوشته شده و اخذ رای شود تلگراف نوشته شد و مختصر مباحثه در الفاظ تلگراف شده پس از تصحیح و تصویب تلگراف قریب باین مضمون نوشته شده فرائت شد جواب نمره (۵۹) و (۵۰) از طرف مجلس محترم شورای ملی در ورود امین السلطان رد و ضمنی نیست البته اهالی آنجا خاصه انجمن دو جلو کجی اغتشاش مصاصی جلیله میدول دارند. ورقه رای منتشر شد (۴۴) رای در مقابل ورقه

رای مخالف و ۹ سکوت داده شد برای مغایره تلگراف فوق و مجلس ختم گردید.

مذاکرات روز یکشنبه

۷ ربیع الاول دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۶ را آقای سید محمد تقی فرائت کردند و قرار شد لایحه میزی و امتیاز نامه شرکت کافذ سازی فرائت شده مطرح مذاکره شود قبل از شروع بقرائت امتیاز نامه

آقای میرزا محمود خونساری پس از استبدان از رئیس چنین عنوان نمود که دیر و عرض کرد در باب حکومت جناب صاحب دیوان بکلیایگان و خوانسار و امروز هم عرض میکنم که فعلاً جمعی هستند و عارضند که ما او را برای حکومت نمیخوانیم بجهت اینکه دیوانخانه عدلیه بواسطه عارضینی که دارد او را توفیق کرده معلوم نیست کی حرکت خواهد کرد و ما الان کسی را میخوانیم که بر عرض مردم رسیدگی نموده و ولایت را منظم نماید و گذشته از این مقصوداً قاصد فرستاده و کافذ نوشته اند که جناب صاحب دیوان دوزخ از تومان حواله داده است نایب الحکومه اش از بابت مالیات گرفته بفرستد و گویا هشتصد تومان هم فرستاده است میخوانیم بدانیم که جناب صاحب دیوان هنوز رفتنشان بمقر حکومت معلوم نیست این پول را از بابت مالیات باطلاع کی گرفته باطلاع وزارت مالیه است بانه اگر مجلس صلاح می داند چیزی در این خصوص بوزارت مالیه نوشته شود گفته شد بعضی کارهای دیگر هم هست که باید از وزارت مالیه ابضاحات خواسته شود شرحی نوشته شود که وزارت مالیه روز سه شنبه بیاید مجلس در این خصوص تا توضیحات خواسته شود و بهین ترتیب قرار شد از طرف مجلس محترم رقمه نوشته شود

آقای سید الحکماء - وزارت خارجه

هم خیلی مسامحه در جواب اظهارات و اظهارات مجلس محترم دارند مخصوصاً سه دفعه در باب ترافه بوزارت خارجه نوشته شده هیچ جواب نداده اند. جناب رئیس رئیس - غیر از این مطالب دیگر هم هست که جواب نداده اند.

آقای تقی زاده - خیال آقای سید الحکماء با خیال بنده

توافق کرده است و من هم میخوانم همین مطلب را عنوان نمایم و در حقیقت وزارت خارجه خیلی مسامحه دارد در خصوص آن مطلب مهمی که نوشته شده بود قرار گذاشتند دو روزه جواب بدهند حال یکماه است جواب نمیدهند اگر آن میدهند آن فصل نظام نامه را یادآوری وزارت خارجه نمایم که نوشته شده هر وزارت خانه تا سه دفعه از عهده جواب اظهارات مجلس بر نیامد مجلس محترم منزل آنوزیر را از پیشگاه مهابونی خواستگار خواهد شد.

رئیس - شاید حالا نوع اظهار این ماده

از نظام نامه نشده باشد ولی یک ماده دیگر هست باین مضمون که باید وزارت تها از باده از اندازه جواب بمطالب مجلس را تأخیر نیندازند این ماده را اظهار نمایم قرار شد بهین طور شرحی بوزارت خارجه نوشته شود سپس آقا شیخ حسین عنوان کردند باید جدا گاندم کیانی را از آن کسیکه باید بدهد خواست و این مسئله لازم بهم است.

رئیس - آقای امین التجار که از اعضاء

کیانی هستند لابد مطلع هستند چه فراداده اند. معین التجار - مجلس ه شد و مذاکره